

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد بدین بوم ویر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

Political Satire

طنز سیاسی

## به سلسله نشر مقالات سابق

(مقاله سوم)

دپلوم انجنیر خلیل الله معروفی  
برلین، ۲۹ اکتوبر ۲۰۰۷

## زمینخوران آخر به زمین میخورند

بهرام که گور می گرفتی همه عمر  
بنگر که چگونه گور بهرام گرفت

"اشباحی" در افغانستان عزیز در گشت و گذارند؛ از هر جنس و هر قماش، مگر از جنس انس و نه از نوع جن و پری. با سقوط دولت نجیب و در آویزی تنظیم های جهادی برای حصول یکه تازانه قدرت، تمام تعاملات قدیم و متمدن در ملک ما برهم خورد. از زمان به قدرت رسیدن تنظیم ها تا به سقوط ایشان بدست قهار طالبان، افغانستان و خصوصاً چشم و چراغ وطن - حضرت کابل - هزاران لیل و نهار را پشت سر گذرانید. راکت پرانی ها و توپ زدن ها و بم کفیدن ها و تفنگ کشدین ها را ... و جنگ های منطقه به منطقه و ناحیه به ناحیه و کورچه به کورچه و خانه به خانه و جنگهای تن به تن را. زورگوئی ها و چور و چپاول ها و بی ناموسی ها را و .... اسلام پامال کردن ها و قانون شکنیها و غصب و تخریب و فروش دارائی های ملکی و ملی و غصب مال و ملک و جایداد خلق خدا و زراندوزی های بی سر و بی پا را و .... و طالبان آمدند و طومار همه جنایتکاران تنظیمی را برچیدند و "ابرجنایتکار قرن" و دار و دسته غدارش را تا غارها و سولاخ های (۲) پنجشیر و خواجه بهاء الدین دواندند و در لبه پرتگاه غرقاب جیحون، کنار زدند. و اگر واقعه "ناین الون" Nine Eleven رخ نمیداد، آخرین بقایای غدر و جنایت و خیانت و زورگوئی و تعصب و وطن فروشی و سفاکی و ... تنظیمی، بسر می رسید و جنایتکاران "ام الفساد" شورای نظار یا طعمه ماهیان آمودریا میشدند و یا که به ممالک ماورای جیحون متواری میگشتند. حیف و هزاران افسوس که چنین نشد، تا ملک و ملت از شر این "شریران قرن بیستم" و "ابلیسان قرن حاضر" نجات می یافتند.

و صد حیف که زمامداران جدید، تاریک اندیشان قدیم و تاریخ زده ای بودند، که میخواستند افغانستان را "فلخمان آسا" به قرون وسطی پرتاب کنند. طالبان اگر بدتر از گروههای تنظیمی نبودند، بهتر از ایشان هم نبودند. این سیاه اندیشان عهد عتیق و این فرهنگ ستیزان و زن ستیزان دوران جدید، با وجود تمام زشتیها یک حسن داشتند. و آن اینکه در قلمرو خود نظم را برقرار ساختند، افراد مسلح را کاملاً خلع سلاح کردند و مردمی را که خلع ملک و زمین و جایداد شده بودند، دوباره به حق قانونی و شرعی ایشان

رسانیدند. در دوره ایشان بال کس میسوخت اگر به مال و ناموس مردم و دولت کج مینگریست، چه رسد به این که زورگویی بیابند و مال چارده معصوم را بخورند، خرکه از قندهار و جهنده از مزار بدزدند (۳) و زمین های سرسبیل دولتی را به حیث "مال بی صاحب" به هزاران جریب و ایکر و هکتار قورت کنند!!!!!!

از سالهاست که باندهای جدیدی در سرزمین بلاکش افغانان سر برآورده ، در جوشش و طغیان اند و یکی ازین جمله "مافیای زمین" و "زمینخوران" اند. و اندر تعریف "زمینخوران" :  
« آنان که زمین مردم و دولت و ملت را به زور "زر و زور" و به زور سلاح و افراد مسلح می بلعد و آروغی هم نمیزند، "زمین خوران" اند.»  
کابلیان ارجمند از مصدر "خوردن" ترکیبات زشت و زیبایی فراوان درست کرده اند. اگر از ترکیبات ناخوش آیند سخن رود :

"مفت خور" ، "مردارخور" ، "حرامخور" ، "پیسه خور" ، "قرض خور" ، "چوچه خور" ، "خام خور" ، "جانخور" ، "دوخور" ، "لت خور" ، "سود خور" ، "آدمخور" ، "خون خور" ، "جهانخور" ، "بدخور" ، "چتل خور" ، "ملاخور" ، "بلاخور" ، "دالخور" ، "لته خور" ، "تیار خور" ، "قرآن خور" ، "قسم خور" ، "دواخور" (شرابی) ، "شراب خور" ، "ریزه خور" ، "کته خور" ، "پسمانده خور" ، "قلم خور" ، "خط خور" ، "تپک خور" ، "پیش پای خور" ، "لاشخور" ، "زارخور" (زهر خور) ، "رشوتخور" ، "پُر خور" ، "خرخور" ، "خنک خور" ، و ... را خواهیم یافت.

ازین میانه در روزگار ما و بلکه در همین روزها ترکیب جدید "زمین خور" بسیار سخت سر زبانهاست. اگر خواننده عزیز از دیروز بدین سو، در صفحه "تحلیلات" پورتال ملی و افشاگر جنایتکاران و دشمنان وطن، یعنی پورتال فخیم "افغان جرمن آنلاین" نظر انداخته باشد، چند ویدیو حتماً توجهش را جلب کرده. از جمله دوتای آنها به "زمینخوران" و "مافیای زمین" ارتباط میگیرند. مهمانان پورتال را به دیدن و شنیدن این دو ویدیو صمیمانه و با الحاح افغانی دعوت میکنم.

در ویدیوی اول مصاحبه راپورتر "تلویزیون طلوع" با شاروال کابل، جناب روح الله امان، تعبیه گردیده و در ویدیوی دوم مصاحبه وزیر شهرسازی و انکشاف شهری، جناب محمد یوسف پشتون. از خلال هر دو مصاحبه ، عمق فاجعه را میتوان دریافت. هر دو مامور عالیرتبه دولت از غصب زمینهای دولتی بدست "مافیای زمین" سخن میگویند و وزیر شهرسازی افشاگرانه تر لب به سخن کشوده میگوید :

« ... و درین مملکت مافیای زمین موجود است.

درین مافیا بسیار کلانها دخیل اند. در شهرک مرجان کلان ترین مافیای زمین در آن دست داره، که هفتصد جریب زمین دولت را دزدی کرده. مه فوراً میگم و به شرافتت قسم اگر این را اعلان نکنی. و خبر داری که در رأسش کیست؟؟؟؟؟ آغای فهیم!!!!!!»

مراد از "آغای فهیم" همان "دلگی مشر" مشهور ، قسیم خان فهیم است که افغانستان و خصوصاً کابل نازنین ما را "ارکاره پهلوانی" فکر کرده و پیوسته از "گاوزوری" (۴) کار میگیرد. گاهی بزرگترین لقب نظامی ، همانا "مارشال" ، را به زور بر سر نام "مبارک" خویش می چسپاند، گاهی خود را "فاتح کابل" و "سرخیل میدان" میسازد و ....

ولی از همه بدتر که خود را "رئیس مافیای زمین" و "سرخیل زمین خوران" ساخته و تا میتواند زمین میخورد. این "زمین خوردن ها" اما تا زمانی ادامه خواهد یافت که خودش به زمین بخورد. به یقین که این پهلوان پنبه نمیداند، که روزی این قدرت و اخ و دب (۵) به پایان میرسد. چه خواهد کرد اگر این دم و دستگاهش به حکم عدل و داد گردون ، دگرگون گردد؟؟؟ چه خواهد کرد اگر صاعقه غضب الهی بر فرقش فرود آید؟؟؟ مگر عاقبت کار خود را دمی سنجیده است؟؟؟ مگر کمی فکر کرده است که اگر فرعون و نرون و چنگیز و هیتلر هم باشد ، بالأخره روزی عمر نکبت بارش به آخر خواهد رسید؟؟؟ در آن روز چه خواهد کرد؟؟؟ اگر در این جهان از خشم مردم و دادگاه و دادستان و محکمه و خانونال و لوی خانونال رهائی یابد، در جهان آخرت کیست که وی را از چنگ عدالت خداوندی و "دادستان ازلی" نجات بدهد؟؟؟ آن وقتی که گرزهای آتشین بر فرقش نواخته شود و فریاد و صیحه عذابش تا ملکوت اعلا بالا گردد، فریادرسی نخواهد یافت!!!!!! روزی که پنجه عدالت خداوندی حلقومش را بفشرد، مال و ملک و جایداد و بنگله و ویلا و بلند منزل و آسمان خراش و زمین های غصب کرده ملکی و دولتی و بازار "طلافروشان" اش وی را نجات نخواهند داد!!!!!!

من مگر یقیناً بدین باور استم که او و جنایتکاران دیگر در همین دنیا و پیش چشم کسانی که مورد ظلم و جفا و بیداد ایشان قرار گرفته اند، عقوبت خواهند گردید و سزای اعمال خویش را خواهند چشید. اگر ترجمان درد و رنج کردم و پیام درد رسیدگان و هر دم شهیدان بی پناه وطنم را بازگویم، که راه و چاره ای دیگر ندارند و فقط چشم خود را به عدالت الهی در روز جزاء دوخته اند ، رباعی معروف شیخ اجل حضرت سعدی شیرازی را پیشکش خواهم کرد که :

دوران بقا چو باد صحرا بگذشت      تلخی و خوشی و زشت و زیبا بگذشت  
پنداشت ستمگر که ستم بر ما کرد      بر گردن او بماند و بر ما بگذشت

زندگی و زندگانی میگذرد ، و هر آنچه از خوبی و بدی و زشت و زیبا در آن نهفته است. آنان که بر مردم ظلم روا میدارند و حق مردم را پامال میکنند ، به تحقیق بدانند که این ظلم و جفایشان بر مردم نیز گذشتنی است ، ولی آنچه ناگذشتنی و برگشت ناپذیر است ، حق مظلوم است که بر گردن ظالم میماند و ابدالدهر و تا ابد الایاد میماند.

**اگر در ملک ما حکومتی و بازخواست گری و دادگاه و محکمه ای وجود ندارد - که به تحقیق ندارد - روز جزاء بدون شک و تردید ، خواهد رسید. و آخرین امید ستمدیگان و جفاکشیدگان وطن به "روز انتقام" آخرت دوخته خواهد ماند!!!!**

### توضیحات :

۱ - ترکیبات مصدر "خوردن" را در سرتاسر این نوشته، به شکل گفتاری آورده ام ، که البته در صورت ادبی و زبان معیار "خور" به "خوار" مبدل میگردد.

۲ - "سولاخ" تلفظ گفتاری از "سوراخ" است. در زبان دری، تبدیل "راء" به "لام" در تلفظ گفتاری بسیار بچشم می خورد، چنان که "دیوار" را "دیوال" گویند و عوام کابلی حتی کلمه عربی "ضرر" را به شکل "ضلل" تلفظ میکنند.

۳ - "چارده معصوم" زیارتی است در کابل قدیم نزدیک "خرابات" و زیر گذر "سنگ کش ها". "گذر سنگ کشها" کوچه ای بود، که در زیر "کاسه برج" ، در سمت شرقی بالاحصار کابل و در بالای "بالا جوی" واقع بود ، که در اصل سنگ کشان در آن سکونت میکردند. در کابل قدیم گذرهای بسیار به حساب اهل حرفه نامگذاری گردیده بودند از قبیل "گذر تنور سازی" ، "گذر سراجی" ، "گذر آهنگری" ، "گذر بوریاپافی" ، "گذر خرابات" ، "شانه سازی" ، "کوچه بتگر" و غیره.

خرقه" مراد از "لباس مطهر" رسول خدا حضرت محمد مصطفاست که در فندهار نگهداری میگردد. و "جهنده" منظور از همان پرچم زیارت شاه ولایت مآب در مزار شریف است، که زبان عوام آنرا "جنده" تلفظ مینماید.

۴ - "گاو" در متن در معنای "مرد تنومند و قوی الجثه" بکار رفته و با حیوان مشهور ارتباطی ندارد.  
۵ - "اخ و دب" اصطلاح عامیانه کابلی و در معنای "کش و فش" و "کر و فر" و "جلال و شکوه" خودنمایانه و ظاهری است.